

فضا و نظریه اجتماع

ویراست دوم

نویسنده: آندری ژیلنیتس

مترجم: حمید شمس‌چاه



انتشارات بهرام‌نقش

۱۳۶۴

سرشناسه	: ژیلنیتس، آندژی یان لئون Zieleniec, Andrzej Jan Leon
عنوان و نام پدیدآور	: فضا و نظریه اجتماعی / نویسنده آندژی ژیلنیتس؛ مترجم محمود شورچه.
مشخصات نشر	: تهران، پرهام نقش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۴۵-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Space and social theory
موضوع	: تئار فضایی
موضوع	: علم اجتماعی - فلسفه
شناسه افزوده	: شورچه، محمود، ۱۳۶۱ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۰۶ / ۶۱ / ۱
رده بندی دیوبی	: ۰۰ / ۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۷۰۷۴۵



انتشارات پرهام نقش

فضا و نظریه اجتماعی ویراست دوم

نویسنده: آندژی ژیلنیتس

مترجم: دکتر محمود شورچه

ناشر: پرهام نقش

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ انتشار: اول، ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۴۵-۶

قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

© کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

مراکز پخش و فروش:

کتابفروشی پرهام، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳۵

انتشارات سیمای دانش: ۶۶۴۶۴۷۷۹

www.parhambook.com

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم بر چاپ جدید و ویراست دوم کتاب
۸	سخن مترجم
۹	پیش‌گفتار
۱۸	سپاس‌گزاری

فصل ۱

کلل مارکس: فضامندی ضمنی ماتریالیسم تاریخی

۲۲	مارکس و فضا
۲۳	فضا به عنوان نیروی توان
۲۴	فضامندی بودن مفاهیم مارکس از جامعه
۲۹	مراحل مختلف در تقسیم کار؛ گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری
۳۳	فضامندی تقسیم جزئی کار
۳۵	تقسیم کار در جامعه
۳۷	تقسیم کار در صنعت
۳۷	همکاری و صنایع بزرگ مقیاس
۳۸	تقسیم کار و تولید
۳۹	ماشین‌آلات و صنایع بزرگ مقیاس
۴۰	فضای بازتولید نیروی کار
۴۲	فضا و مبادله
۴۴	سرمایه‌داری به عنوان یک سیستم جهانی
۴۶	نتیجه
۴۶	یادداشت‌ها

فصل ۲

جورج زیمل: جامعه‌شناسی فضا

۵۱	فضا در بطن پروژه زیمل
۵۴	جامعه‌شناسی زیمل از فضا؛ جنبه‌های فضا
۵۵	انحصار
۵۶	مرزهای فضا
۵۸	ثبات فرم‌های اجتماعی در فضا
۶۰	مجاورت فضایی و فاصله
۶۱	جابجایی در فضا
۶۲	تحلیل زیمل از ظهور فرایندهای اجتماعی - فضایی

۶۲	شهر به عنوان فضای مدرنیته
۶۴	اشکال در فضا
۶۶	پول
۶۷	گریز به درون فضا و فضاهای گریز
۷۰	پدیدارشناسی فضا
۷۱	جورج زیمل؛ اولین جامعه‌شناس فضا
۷۲	یادداشت‌ها

فصل ۳

هنی لوفور؛ تولید فضا

۷۶	تاریخ لوفور از فضا؛ روستا و شهر
۸۳	دیالکتیک لوفور از فضا
۸۸	سه عنصر ضروری مور: نظر، محور، دور. تولید فضا
۸۸	- کنش‌های فضایی
۸۹	- بازنمایی‌های فضا
۹۰	- فضاهای بازنمایی
۹۱	کنش فضایی و سازماندهی اجتماعی
۹۶	سیاست و قدرت فضا
۱۰۰	روزمرگی در تولید فضای لوفور
۱۰۶	اهمیت تولید فضای لوفور
۱۰۹	یادداشت‌ها

فصل ۴

دیپدهاروی؛ اقتصاد سیاسی فضا

۱۱۷	فضای سرمایه‌داری صنعتی
۱۱۸	انباشت و گردش سرمایه
۱۲۰	چرخه سوم سرمایه از نظر هاروی
۱۲۱	محیط ساخته‌شده شهر و شهری
۱۲۲	سلطه بر فضا و بازار زمین
۱۲۶	مبارزه طبقاتی و کشمکش در و بر سر فضا
۱۲۹	استیلا، دولت، فضاهای تولید و بازتولید
۱۳۵	نتیجه
۱۳۷	یادداشت‌ها

فصل ۵

میشل فوکو: فضا، دانش و قدرت

۱۴۲	قدرت، دانش و فضا
۱۴۸	گفتمان‌های انضباطی فضا
۱۵۱	اولین متخصصان فضا - گفتمان پزشکی
۱۵۶	زیست - قدرت و فضا
۱۶۰	نتیجه
۱۶۱	یادداشت‌ها

فصل ۶

گذشته‌ها و دورنماها: فضا، مدنیت و مدرنیته امروز

۱۶۹	مسیرها و افق‌های جدید در باب فضا
۱۶۹	فضای شهری
۱۷۳	چشم‌انداز و نظریه فضایی
۱۷۶	فضا و جنسیت
۱۸۰	نژاد و فضا
۱۸۳	جرم و فضا
۱۸۶	جهانی‌شدن و فضا
۱۸۷	خطر جامعه جهانی از دیدگاه اولریش بک
۱۸۸	جان یوری - جریان‌ها و مهاجرت
۱۹۰	مانوئل کاستلز - زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها
۱۹۱	آنتونی گیدنز - جدا شدن فضا از زمان
۱۹۲	ادوارد سوچا و فضای پست‌مدرن
۱۹۴	نتیجه
۱۹۵	منابع
۲۰۵	نمایه

یادداشت مترجم بر چاپ جدید و ویراست دوم کتاب

انتقال حق چاپ و نشر این کتاب به انتشارات پرهام‌نقش، فرصتی برای مترجم فراهم نمود تا یک بار دیگر ترجمه قبلی کتاب مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار بگیرد و پاره‌ای اغلاط که در چاپ قبلی راه یافته بود تصحیح شود. بنابراین می‌توان امیدوار بود، چاپ حاضر نسبت به چاپ قبل صحیح‌تر باشد و کتاب با اشتباهات بسیار کمتری در اختیار خواننده گرامی قرار بگیرد. مترجم از همه عزیزانی که بازخوردها و توصیه‌های ارزشمندی جهت بهبود ترجمه این کتاب ارائه نموده‌اند، و همچنین از انتشارات پرهام‌نقش، بسیار تشکر می‌کند.

م. ش.

تهران- ۱۳۹۴

سخن مترجم

گذار از درک فضا به عنوان «فاصله میان اشیاء» و یا «جایی برای اشیاء»، به فضا به عنوان «تولید اجتماعی» در واقع، گذار از درکی مطلق و ذات‌گرا درباره فضا به درکی ارتباطی و برساختی از فضا است. این کتاب شرح منحصر به فردی از این گذار فکری در باب فضا و بر بنیان نظریه اجتماعی است. مطالعات شهری به طور سنتی ساختارهای شهری و اجتماعی را به گونه‌ای می‌نگرد که گویی آنها در درون محیط‌های بیرونی از یک زمان «عینی» و یک فضای بیرونی، فیزیکی و «دکارتی» توسعه می‌یابند. بعد از دکارت، به فضا همچون یک عینیت مطلق که زندگی بشر در درون آن رخ می‌دهد نگریسته می‌شود. از نظر لوفور (۱۹۸۴) چنین ایده‌هایی ریشه در تسلط رویکردهای نیوتونی درباره فضا و زمان بر نظریه ابعاد دارد که از علوم طبیعی اخذ شده است. گیدنز (۱۹۷۹) بر این عقیده است که، در چنین رویکردی نه فضا به زمان هیچ یک هنوز در درون نظریه اجتماعی جای نگرفته‌اند. اما، امروز، آن گونه که هاروی (۱۹۷۳) بیان می‌کند: «فضا - این خود را به فضاوندی، و پرسش درباره ماهیت فضا نیز جای خود را به پرسش درباره شیوه (باز)ساخت فضا داده است» فضا دیگر به عنوان یک ساختار عینی، متغیر و بی‌طرف نگریسته نمی‌شود، به طوری که ما در درون آن جای نمی‌گیریم یا آن را به صورت علمی محاسبه می‌کنیم، بلکه فضا با همه روابط تولید، مناسبات قدرت، دانش، بازنمایی‌ها، ارتباط‌های اجتماعی، هویت‌یابی‌ها و تمایزبخشی‌های ما درهم تنیده است. در واقع، فضا در نظریه اجتماعی ادغام و یکپارچه است و ابعاد مادی، ادراکی و زیستی را به طور همزمان در خود داراست.

تحولات پارادایمی در سه دهه اخیر و گذار از سبک‌های پوزیتیویستی به اندیشه‌های انتقادی، پست‌مدرن، پسااستعمارگرا، فمینیسم و پسااستارگرا، اثرات ژرفی بر درک از فضا برجای نهاده و مطالعات فرهنگی بن‌مایه‌های اندیشه فضایی را دگرگون ساخته است. آنچه امروز بدان «چرخش فرهنگی» در علوم فضایی از یک سو و «چرخش فضایی» در علوم فرهنگی از سوی دیگر، گفته می‌شود، فضا و فضاوندی را در «انون تفکرات و مطالعات اجتماعی قرار داده است. به طوری که امروز دیگر نمی‌توان نظریه اجتماعی/ فرهنگی و فضاوندی را جدا از هم نگریست و تبیین نمود. این درهم‌تنیدگی فضا با نظریه اجتماعی/ فرهنگی از یک سو و تحولات فزاینده دانش از پدیده جهانی شدن از سوی دیگر، پیام اصلی این کتاب، بر اساس شرح اندیشه نظریه‌پردازان اصلی در این عرصه است. کسانی که به دنبال درک فضا فراتر از همه آنچه هستند که تاکنون درباره آن مسأله‌پاشته شده است، این کتاب نقطه شروع بسیار خوبی خواهد بود. تا همین اواخر (دست‌کم در ایران) پژوهش‌های درباره فضا به صورت بسیار پراکنده و مبهم انجام شده است. این مسئله، رسیدن به یک موضع روشن و مشخص در باب فضا را برای پژوهش‌گران در این زمینه بسیار دشوار ساخته است. اما این کتاب به خوبی توانسته است این خلاء را پر نماید و یک مبانی از اندیشه‌ها و نظریه‌های بنیادی درباره فضا و نظریه اجتماعی ارائه دهد. تجربه شخصی مترجم از مطالعه این کتاب واقعاً نشان داد که با مطالعه این اثر می‌توان از اندیشه مطلق، بی‌طرف و ذات‌گرا درباره فضا عبور نمود و به مواضع مشخص و شفاف درباره فضا به مثابه یک تولید اجتماعی دست یافت. همین موضوع، انگیزه‌ای شد برای مترجم تا این تجربه شناخت‌شناسی در باب فضا و فضاوندی را همچنین با علاقه‌مندان دیگر در این عرصه تقسیم و تسهیم سازد.

پیش‌گفتار

فضا اغلب به عنوان یک جنبه‌ی نسبتاً تصدیق‌نشده یا پس‌زمینه حیات، مورد قبول قرار گرفته و پیش‌فرض گرفته شده است. این صرفاً وجود دارد تا پُر شود، استفاده شود، و در زندگی روزمره از آن عبور نموده یا در آن جابجایی صورت بگیرد. از این جنبه، شباهت زیادی با بسیاری از نظریه‌های اجتماعی دارد. دست کم تا ربع آخر قرن بیستم نادیده‌انگاری روشنی در باب بررسی دقیق‌تر فضا به عنوان یک مسأله و عاملی دارای ارزش تحلیل سیستماتیک، وجود دارد. پس از این زمان و با چاپ تعداد زیادی از پژوهش‌های برجسته، به ویژه در «جغرافیای انسانی یا فرهنگی» است که موضوع فضا به سرعت به عنوان یک عرصه بنیادی و حیاتی برای تحقیق و تحلیل اجتماعی مبدل گردید.

فضا و تحلیل فضایی، دوره به عنوان یک عنصر ضروری در توسعه دانش و درک نظری و همچنین تحقیقات تجربی در رابطه با رشته‌های علمی اجتماعی مد نظر قرار گرفته است. بر خلاف گذشته، امروز بررسی و تحلیل فضا منحصر به دیدگاه‌های جغرافیایی بر روی روابط متقابل بین انسان و محیط «طبیعی» نیست. در واقع امروزه «محیط‌های انسانی- اجتماعی» و روابط اجتماعی مؤثر بر آنها و همچنین روابط متقابلی که در- و- از طریق آنها رخ می‌دهد، موضوع تحلیل و نقداند و دقیق‌تری قرار گرفته است. اگرچه لازم است از جغرافیای دانان انسانی و اجتماعی برای نقش‌شان در انشاء و اولویت دادن دوباره به فضا به عنوان عنصری مهم در درک جامع پیچیدگی‌های روابط اجتماعی مدردانی به عمل آورد. با این حال، در این شرایط جدید، فعالیت‌های بین- رشته‌ای، امکان وسعت‌بخشی بیشتری به تحلیل‌های فضایی داده است. به طوری که می‌تواند نه تنها افق‌های جدیدی پیش روی نهد، بلکه مسیرهای جدیدی نیز برای دیگر رشته‌ها هموار سازد. چنین آینده‌ی ثمربخشی بر درک پیشرفت‌ها و کارایی نظریه‌های فضا در تفسیر فضایی مبتنی است.

هدف این کتاب ارائه برخی از این چشم‌اندازهای نظری و تأکید بر سهم آن‌ها در توسعه یک نظریه جامع‌تر و قابل‌قبول‌تر اجتماعی از فضا است. با این وجود این به معنی مروج جامع بر کلیه کارها و رشته نظریه‌های اجتماعی انجام‌یافته پیرامون فضا نیست. در واقع هدف اصلی این کتاب است که صورتاً به صورت گزینشی عمل نموده و رویکرد توسعه‌ی «تفکر بر روی فضا» بر اساس ترتیب زمانی (کورونولوژیکال) دنبال شود. به این ترتیب اثرات و نفوذ چنین نظریه‌ها و تحلیل‌هایی، نشانه‌ای از سودمندی ارائه نظریه اجتماعی فضا در قالب پژوهش‌های نظری و تجربی از روابط پیچیده اجتماعی است که در اشکال مختلف، شامل پژوهش در واقعیت اجتماعی نیز می‌شود. به طور خاص، و نه منحصرأ، این چنین نظریه‌هایی برای آن نوع درک از شهر و شهرنشینی که هدف آن تحلیل اجتماعی مدرنیته است، بسیار مهم می‌باشند. احتمالاً آموزنده خواهد بود اگر به برخی از تجربیات شخصی خودم، زمانی که با فضا به عنوان یک اهمیت بنیادین برای تحلیل و پژوهش اجتماعی برخورد نمودم، در اینجا اشاره نمایم.

به عنوان یک دانشجوی دوره کارشناسی ترغیب شدم که «درک جامعه‌شناختی» خود را از طریق آموزش در اصول نظری سنتی (آثاری از مارکس، وبر، دورکیم، زیمل، کنت، سن‌سیمون، تونیس و دیگران)^۱ این رشته ارتقاء دهم. همچنین رویکردهای نظری امروز، چشم‌اندازها، پارادایم‌ها را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار دهم (آثاری از سی رایت میلز، ویلیامز، الیاس، ای پی تامپسون، گافمن، پوپر، کوهن، بومن، بوردیو، فوکو، گیدنز، پک، بحث‌های پست‌مدرن جیمسون، لیوتار، بودریار و دیگران).^۲ این آثار اصول شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی این رشته و همچنین پیشرفت‌های بعدی آن را ارائه می‌دادند و گرایش‌های دیگری را نیز همچون شهرنشینی، مدرنیته، رسانه‌های جمعی، فرهنگ، مصرف، قشربندی، کار، ادبیات نیز به این رشته معرفی می‌کردند و راه را برای کاوش عمیق‌تر فعالیت‌های روش‌شناختی جامعه‌شناسی و چارچوب‌های نظری هموار می‌ساختند. با نگاهی به گذشته، به نظر می‌رسد که آسان‌تر آن باشد، موارد فرعی و قابل حذف، مورد شناسایی قرار گیرند تا اینکه تأکید بر جنبه‌های مثبت، مبنای یک کار جامعه‌شناختی قرار گیرد. در این مورد، می‌توانم به حق به عدم وجود یک درک عمیق از اهمیت تحلیل جامعه‌شناختی و درک بُعد فضایی جامعه، ازماندهی و تجربه روابط اجتماعی و فعالیت‌ها در «زمینه‌های» مختلف اذعان کنم.

این عدم تمرکز بر روی فضا در تحلیل جامعه‌شناختی و در دانش خود من، زمانی آشکار شد که انجام پروژه دکترای من نیازمند درک مسائل مشخصی از و بفرج فضا بود. رساله دکترای من درباره بررسی ریشه‌ها و توسعه پارک‌های عمومی به عنوان ویژگی دانی چشم‌انداز جامعه‌شناختی و فیزیکی شهر مدرنیته بود. آنچه در تحقیقات من روشن شد این بود که پارک‌های عمومی به عنوان فضاهای نسبتاً عمومی شهری، می‌بایست بر اساس یک‌سری روابط پیچیده موجود در رشته‌های فیزیکی، بازنمایی‌های غالب و کاربردهای روزمره و همچنین مجموعه تجربیاتی که آن را به عنوان فضایی اجتماعی همراه با شبکه‌ها و آرایش مکانی شکل می‌دهد، به گونه‌ای تعریف نمود که چشم‌انداز اجتماعی شهر را تشکیل می‌دهد. این پیچیدگی نیازمند درک و تحلیل جامع از نظریه‌های اجتماعی موجود پیرامون فضا و تئوریه فضای اجتماعی بود، تا بتوان چارچوبی نظری برای تحلیل‌های تجربی بنیادها و توسعه آنها در سنت پیشرفت تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فضایی شهر در دوران مدرنیته ارائه داد. آنچه روشن شد این بود که به رغم وجود تحلیل‌های نظری در باب فضای اجتماعی در رشته‌های متعدد به ویژه در جغرافیای اجتماعی و فرهنگی، در خود جامعه‌شناسی مجموعه‌ای از کارهای منسجم که فضا را به عنوان عاملی بنیادین در تحلیل انتقادی اجتماعی مدرنیته مورد واکاوی قرار دهد، وجود ندارد.

1. Marx, Weber, Durkheim, Simmel, Comte, Saint Simon, Tonnies, etc

2. C. W. Mills, Williams, Elias, E. P. Thompson, Goffman, Popper, Kuhn, Bauman, Bourdieu, Foucault, Giddens, Beck, the post-modern debates of Jameson, Lyotard, Baudrillard, etc.

نهایتاً آنچه در کار من حاصل شد، تحقیقاتی در رویکردها و چشم‌اندازهای مختلف در باب فضا بود که منجر شد به درک بیشتری از این مسأله که چرا فضا در تحلیل‌های جامعه‌شناختی می‌بایست مهم باشد. همین مسأله نقطه عزیمت و تکوین کتاب حاضر شد. هدف این کتاب بررسی این شکاف از طریق یک ارائه‌ی مقدماتی، و مروری بر نظریه‌های مهم اجتماعی از فضا و نظریه‌های فضایی است؛ نظریه‌هایی که تأکید آنها بر بُعد فضایی ساختار، سازماندهی، مقررات و تجربه‌ی روابط اجتماعی و کنش‌های متقابل بین آنهاست. این تأکید بر روی مسأله‌ی فضا به عنوان امری بنیادین، امروزه در پژوهش و تحلیل‌های اجتماعی و همچنین در سایر رشته‌های فرهنگی و اجتماعی مطرح گردیده و یا دست‌کم می‌بایست این گونه باشد. باری، این کتاب می‌تواند افق و مسیری پیش روی جامعه‌شناسی امروز قرار دهد- امیدوارم که چنین باشد- هر چند لازم است اشاره نمود، آنچه در اینجا ارائه می‌شود اگرچه نه به صورت شفاف، بلکه به صورت ضمنی، شروع آن در نظریه‌های جامعه‌شناختی قبل‌تر از زمان اخیر بوده است.

این کتاب به دنبال آن نیست تا صرفاً برای دانشجویان دوره کارشناسی در رشته جامعه‌شناسی مفید و ارزشمند باشد. بلکه برای آن دسته از کسانی که در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله؛ جغرافیای انسانی، مطالعات شهری، علوم سیاسی، انسان‌شناسی، اقتصاد و تاریخ اجتماعی و همچنین افرادی که در رشته‌های معماری، طراحی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌نگار اجتماعی قرار دارند نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب همچنین می‌تواند به عنوان مفهومی برای به‌کارگیری در رشته‌های نظری فضا برای محققان کارشناسی ارشد و بالاتر و متخصصان درگیر در امر آموزش و تحقیق به در آن عناصر فضایی کنش‌های اجتماعی، تضادها، محرومیت‌ها، مهاجرت‌ها، کار و غیره اهمیت دارد. بودنش باشد. در نظر گرفتن اهمیت فضا و کاربرد تحلیل‌های فضایی که ریشه در چارچوب‌های نظری دارد، به تنها منجر به بینش‌های اساسی نسبت به مناسبات اجتماعی امروز، صورت‌بندی‌ها و کنش‌ها می‌شود؛ بلکه چارچوب‌های مفهومی و تحلیلی ارزشمندی برای تحقیقات آینده ارائه می‌دهد. از این رو، فضا دیگر موضوع نیست که امروز بتوان از آن چشم پوشید.

دنیای اجتماعی کنش‌ها و روابط می‌بایست به عنوان امری جهانی، خواه شده یا نشده، نگریسته و فهم گردد. در این دنیایی که به سرعت به مثابه شبکه‌ای جهانی از روابط و پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، فراغت و سیاسی، بازنمایی، بیان و درک می‌شود، سلطه فضا و زمان ویژگی بنیادین چنین گفت‌وگویی است. بنابراین آگاهی از تولید اجتماعی فضا بسیار اساسی است؛ نه تنها برای درک چگونگی شکل‌گیری مناسبات اجتماعی امروز؛ بلکه همچنین برای پرسش درباره اینکه چرا در چنین اشکال و صورت‌بندی‌هایی وجود دارد. اما برای تأویل برخی موضوعات و اینکه «جهانی بیندیشیم و محلی عمل کنیم»، ما باید به این امر آگاه باشیم که چگونه مناسبات و کنش‌های اجتماعی در- و- بر روی فضایی که ما ساکن و

اشغال نموده‌ایم و در زندگی روزمره‌ی خود از آن بهره می‌گیریم، عمل می‌کند. ما نیازمند آگاهی از ارتباطات جهانی زندگی مدرن و همچنین درک فضاهایی هستیم که به تجربه در می‌آوریم و در عمل بدان شکل می‌بخشیم. پرسش‌هایی که درباره فضا مطرح می‌کنیم، می‌تواند ما را از ماهیت توسعه ساختارها، سازماندهی‌ها، نهادها و کنش‌ها، رفتارها و تجربیات، قدرت و سیاست مطلع سازد که به طور کلی دوران مدرن را شکل می‌دهند. این در واقع چالشی است که نظریه اجتماعی فضا با آن روبه‌روست.

با این حال، این [نظریه اجتماعی فضا] خود را در چارچوب یک دیدگاه علمی به صورت مجرد محبوس و محدود نمی‌کند. آنچه روشن است، رابطه و اهمیت فضا و تحلیل فضایی برای درک و پژوهش کلیت پیچیده زندگی اجتماعی است. این اولویت‌بخشی مجدد به فضا، نقطه عزیمت کتاب حاضر است و اگرچه نظریه اجتماعی تا اواخر نیمه دوم قرن بیستم نسبت به اهمیت بحث فضا کم توجه بوده است؛ اما با این حال همچنان این امکان وجود دارد تا بتوان تاریخی از آثار آن دسته از نظریه‌پردازان کلاسیک ارائه داد که میراث‌شان به‌طور مؤثری بیان توسعه علوم اجتماعی امروز و به‌ویژه برای جامعه‌شناسی از اهمیت بی‌نظیری برخوردار می‌باشد.

اگرچه فضا در واقعیت نمی‌تواند از تجربه، درک یا تصور عصر مدرن مجزا شود، اما می‌توان از دو منظر جداگانه به آن نگریست. در اولین منظر می‌توان گفت که فضا به مثابه پدیده‌ای «بیرون از این دنیا» و «جایی در آن بالا» نگریسته می‌شد؛ به‌طوری که در آغاز تحقیقات فناوری فرازمینی، توجهات را به فضا به عنوان «مرز نهایی» دانش انسان و به ویژه دانش علمی جلب کرده بود. پیشرفت تلسکوپ‌های قوی و پیشرفته، گستره و حیطه کاوش و همچنین درک از فضای کیهانی، توسعه داد و همزمان با پیشرفت‌های فناوری‌های دیگر در این زمینه، مسافرت‌های آزمایشی به فضا سفر پیمایندگان خود را به فواصل، جهان‌ها و قلمروهای دورتر آغاز نمود. اشغال فضا توسط ارتباطات ماهواره‌ای و سیستم‌های نظارت و مراقبت عرصه جدیدی از رقابت و کسب و کار ایجاد نمود؛ به طوری که اغلب آنها روی کار ارتباطات و انتقال اطلاعات و جریان ارتباطات در یک سیستم اقتصاد جهانی درهم‌تنیده، متمرکز شده‌اند. فضای بیرونی از طریق خیال‌پردازی‌ها و افسانه‌های علمی که مانند یک بوم گسترده، عرصه‌های بسیاری از امکان‌ها و پیشگویی‌ها روی آن نقاشی، نوشته و طراحی شده بود، برای توسعه آینده و تجربه گونه‌ها به تصرف درآمد. ما می‌توانیم این آگاهی وسیع و در بُعد کلان-کیهانی و کاوش فضا را، بسط طبیعی استیلای علمی و فناوری بر فضای فیزیکی زمین بدانیم که فراتر از محدودیت‌های سرزمینی و تجربه زمینی رفته است. پیروزی علم اگرچه کامل نبوده اما توجه‌اش همواره به کران‌های دور بوده است.

نقطه متمایز اما نه ضرورتاً متضاد با فضای دور، دیدگاه فضا به مثابه یک عرصه درون-جهانی از دین، دانش معنوی و فردی و خودآگاهی است. این فضا قلمرو فنون خود-واقعیت‌بخشی، سیستم‌های تکاملی و باور-محور، در واقع همان وعده روشنگری و وسعت‌بخشی به افق‌های ذهن در پس محدودیت‌های تجارب

حسی و فیزیکی جهان است. عرصه روح^۱ یا ذات، یک فضای درونی از دورنماها و انباشت یا دست‌یابی به امکان شناخت در معنای هستی، زندگی، جهان و کل اشیاء است. تلاش برای تحمیل نوعی نظم و جمع‌آوری برخی معناها در یک جهان به شدت بی‌معنا، از مصرف و تجربه‌ی جانشینی و شبیه‌سازی حسی است که منجر به تمرکز روی فضای درونی ذهن، روح و ذات شده است. این مسأله منجر به ظهور منادیان، مکاتب فکری، راه‌حل‌ها و فنون بسیاری شده است که چشم‌اندازهای روحی سنتی از ذات، در عقاید و دین‌ها را همراه با تأکید بسیار فردگرایانه به سلطه درآورده است.

حال چه این مسأله‌ای خُرد-کیهانی باشد و چه کلان-کیهانی و چه درونی و چه بیرونی، فضا عرصه‌ای مناسب برای کاوش و شکل‌گیری دانش بوده است. با این وجود فضایی که در آن ساکن‌ایم، از آن استفاده و در زندگی روزمره‌مان آن را تصور می‌کنیم، ذاتاً اجتماعی است. به همین علت آن [فضای اجتماعی] موضوع [شناخت] نیروها و فرایندها است که همه زندگی اجتماعی بدان راجع بوده است. به بیان دیگر، فضا را که در پیوند با جوامع و اجتماعات قرار دارد و به مثابه نوعی بازنمایی و جاودانه‌سازی فرهنگ، ارزش‌ها، غایات و ایدئولوژی‌های آنها عمل می‌نماید، نمی‌توان صرفاً یک امر تاریخی دانست، بلکه به لحاظ اجتماعی نیز تولید می‌شود. از این رو هر جهان اجتماعی، فضای مربوط به خود را می‌سازد؛ خواه فضاهای تولید، مصرف، چرخه، بازنمایی، فراغت و تفریح باشد و خواه فضای بازی و تخیلات. فضا برای به نمایش درآوردن، تجسم بخشیدن و نمادسازی رؤیاها، اشتیاق‌ها و دغدغه‌های جامعه در هر مرحله‌ای از توسعه ساخته می‌شود. اینکه چه نوع فضایی خلق و تولید می‌شود برای کیفیت و کمیت مناسبات اجتماعی دارای پیامدهایی است. فعالیت‌هایی که اجازه می‌یابند و ترغیب می‌شوند یا منع و کنترل می‌شوند، تحت تأثیر طراحی، شکل، اندازه، مقررات و سازماندهی و نهایتاً نظارت بر روی فضای تعبیه شده و کارکردی شده قرار می‌گیرند. برای مثال مکان‌های تولید و کارخانه، به گونه‌ای ساخته می‌شوند تا امکان فرایندهای دارای حداکثر کارایی در تولید را فراهم نمایند. از این روست که می‌بینیم کارگاه‌های صنایع مختلف، مثلاً که توسط کارگران ماهر اشغال می‌شوند، تبدیل به ساختمان‌های عظیمی می‌شوند که در آنها هزاران کارگر در فضای (و همچنین در زمان) آن در یک تنوعی از فرایندهای درون-ارتباطی سازماندهی می‌شود تا بسته کارخانه محصول نهایی خود را تولید نماید. همین طور فضاهای مختلف بازی، فراغت یا مصرف که برای اهداف خاصی ایجاد، تولید و یا طراحی می‌شوند. مع الوصف، صرفاً یک نوع فضا برای همه آنها کفایت نمی‌کند. چگونگی سازماندهی، طراحی و ارائه فضا، پیامدهایی برای چگونگی استفاده از آن دارد. از این رو این فضای اجتماعی است که اهمیت می‌یابد. اینکه چه نوع فضایی، توسط چه کسی، برای چه کسی، کجا، کی و چرا ساخته

شده، به ما درباره انواع جهان‌های اجتماعی که ساخته‌ایم و همچنین نحوه طبقه‌بندی و بازتاب انواع فعالیت‌ها، خواسته‌ها و اولویت‌بندی‌های مان آگاهی می‌دهد.

درک فضا، در حقیقت، درک دنیای اجتماعی و نهایتاً درک خود ماست. انواع فضاهای اجتماعی که ساخته می‌شوند و ما از آنها استفاده و در آنها زندگی می‌کنیم، نه تنها به تجربه‌های اجتماعی و کنش‌های متقابل مان به عنوان موجوداتی اجتماعی و جمعی ساختار می‌بخشد، بلکه سامان‌بخش توانایی ما در شناخت خودمان به عنوان افراد و کنش‌گرهای اجتماعی و عواملان تغییر است. با این وجود، موضوع فضا یک جاده‌ی یک‌طرفه نیست. در واقع همان‌گونه که فضا فعالیت‌ها و کنش‌های ما را تحت تأثیر، محدود و تعیین می‌کند، معانی مرتبط فضا و اولویت‌هایی که در آنها انعکاس یافته، می‌توانند به وسیله آن نوع از کاربردها و کنش‌هایی که ما در آن اِعمال می‌کنیم (از قبیل شیوه‌های طراحی، کارکردهای فضایی، کنترل، شیوه دسترسی و نوع کاربری فضا، مرد بالش و تغییر قرار گیرد. بنابراین، فضا، صرفاً دنیای طرح‌ها، منطق و علم نیست. همچنین آن دنیای یدئولوژی و قدرت صرف هم نیست. دنیایی است که ما در آن ساکنیم، به گفت‌وگو می‌پردازیم و به شیوه‌های خودمان از آن استفاده می‌کنیم. فضا به واقع چیزی است که ما در آن، از طریق آن و در پیرامون آن، به عنوان وجوداتی اجتماعی، در تلاش برای ساختن زندگی خود و آنچه بدان می‌اندیشیم هستیم. بنابراین فضا ذاتاً برای اجتماعی است و نیز نیازمند آن است که به شیوه‌ای انتقادی تحلیل شود.

همان‌گونه که در قبل اشاره شد، هدف این کتاب ارائه مقدمه‌ای موجز بر نظریه اجتماعی و فضا است. برای شروعی درخور و تا حد زیادی ساده، لازم است تأکید کنیم که «مناسبات اجتماعی باید به هر حال در جایی اتفاق بیفتند» و آنجا، جایی است که همیشه در فضایی اجتماعی قرار می‌گیرد؛ و این فضای اجتماعی خنثی نیست و جایی نیست که باید توسط اقدامات انسان پر شود. به همان طریقی که فضا بواسطه مناسبات انسانی شکل می‌گیرد، مناسبات انسانی هم به وسیله فضا شکل می‌گیرند. این موضوع محوری نظریه‌پردازی است که در فصل‌های آینده به آنها خواهیم پرداخت. اینکه فضا چگونه دریافت، درک، بازنمایی، تصور و استفاده می‌شود برای درک چگونگی پدید آمدن جهان امروز، امری ضروری است. آگاهی از تاریخ فضا، آن گونه که لوفور بیان می‌کند، برای درک فضای کنونی اساسی است. بر اساس دیدگاه مارکس درباره تاریخ، انسان نمی‌تواند بدون آگاهی از فضا، درکی کامل از زمینه و عواملی که سبب شکل‌گیری جهانی شده است که در آن ساکنیم بدست آورد و بدون چنین آگاهی، محکوم به تکرار این اشتباه خواهیم شد که چشم‌اندازهای ذهنی و وجودی‌مان تنها تولیدات جانبی ناچیز فرایندهای جدا از خودمان هستند. بنابراین ما نیازمند بررسی معانی ساختار اجتماعی فضا برای درک بهتر آن و خودمان هستیم. نظریه‌پردازی که در ذیل به آنها اشاره و پرداخته شده است، روابط متقابل پیچیده‌ی بین کنش انسان و کنش متقابل او با محیطش، خواه طبیعی و خواه انسانساخت و پیامدهایی که برای سازماندهی و قدرت اجتماعی دارند را مورد بررسی قرار داده‌اند. با این حال در اینجا نوعی تمایل و همگرایی در نظریه‌های آنان

وجود دارد مبنی بر اینکه شهر، اگر نگوییم تنها صورت فضایی اما صورت فضایی غالب در نظام سرمایه‌داری است.

فصل اول: کارل مارکس؛ فضا‌مندی ضمنی ماتریالیسم تاریخی

فصل نخست یک تحلیل انتقادی از بُعد فضایی ضمنی ماتریالیسم تاریخی و نقد سرمایه‌داری توسط مارکس ارائه می‌دهد. در اینجا فضا هم به عنوان ابزار و هم نیروی تولید تحت نظام سرمایه‌داری مطرح می‌شود که این ویژگی دوگانه‌ی فضا، ضرورتاً انتزاعش را به مثابه یک کالای به شدت بت‌واره‌شده^۱ نشان می‌دهد. مالکیت و کنترل فضا به عنوان عاملی در سازماندهی و تداوم سرمایه‌داری به شدت شهری‌شده در نظر گرفته می‌شود. در آن، از خودبیگانگی پرولتاریا، به مثابه جدایی آن از طبیعت و به علاوه از تولیدات خود وی، درک می‌شود. اصرار ما، کس بر اهمیت جدایی شهر و روستا به عنوان بزرگترین تقسیم مادی و ذهنی نیروی کار ضمن طرح این دنا، شهر را به مثابه صورت (فرم) فضای تولیدشده معرفی می‌کند. بُعد فضایی تقسیم اجتماعی^۲ را، به مثابه تحلیل مارکس از ویژگی‌های نهایی سرمایه‌داری شهری مدرن را انعکاس می‌دهد و این نه تنها د بود به فضای تولید بلکه همچنین شامل بازتولید نیروی کار نیز می‌شود. در پایان، بررسی فضا‌مندی ذاتی در درک مارکس از گسترش سرمایه‌داری برای تصاحب بازار جهانی، منجر به درک امپریالیسم و جهانی‌شدن امروز می‌گردد.

فصل دوم: جورج زیمل؛ جامعه‌شناسی فضا

مقاله‌ای از زیمل که در این اواخر ترجمه شده است، از این راه‌های جامعه‌شناختی است که فضا را به عنوان یک عرصه مهم برای درک فرم و محتوای کنش‌های اجتماعی مطرح می‌سازد. با اینکه زیمل نظریه‌ای در باب فضا ارائه نمی‌دهد، اما شناخت و تأکید وی بر ««جهانی»» مختلف فضا، هم کار زیمل را کامل می‌کند و هم اهمیت درک فضا در نظریه اجتماعی را نشان می‌دهد. این جنبه‌های فضا (انحصار، محدودیت، ثبات، جابجایی در فضا، مجاورت و فاصله)، مسائل و موضوعات به‌دراغی را در رابطه با درک سوگیری فضایی کنش‌های متقابل اجتماعی نشان می‌دهد. همچنین یک بنیان اولیه برای کشف نظریه‌های دیگر اجتماعی در باب فضا فراهم می‌آورد که با توجه به ویژگی‌های مفهومی‌شان می‌توانند برای تحلیل و پژوهش‌های فضایی امروز مفید باشند.

فصل سوم: هنری لوفور: تولید فضا

سهام لوفور در تحلیل فضا به علت تجدیدحیات بخشیدن مجدد به تمایلات علوم اجتماعی به سمت فضا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نظریه پیچیده وی درباره تولید فضا یک تثلیثی از عناصر هم‌پیوند و لازم و ملزوم برای «شناخت واقعی از فضا» ارائه می‌دهد. آثار نظری لوفور یک چارچوب ساختاری برای تحلیل اجتماعی فضا و همچنین بررسی کنش‌های متقابل و پیچیده‌ی عناصر چندگانه‌ی وی بدست می‌دهد. این فصل در واقع چکیده‌ای موجز از شرح عقلانی لوفور است که منجر به طرح نظریه «تولید فضا» وی و بررسی ویژگی‌های برجسته و مصادیق عناصر سه‌گانه آن، شامل: «کنش»، «بازنمایی» و «استفاده» می‌شود.

فصل چهارم: دیوید هاروی: اقتصاد سیاسی فضا

سهام و جایگاه هاروی در توسعه فرم‌های فضایی و ساختارها، نشانه‌ای از رشد تحلیل‌های نظری در این زمینه و همچنین موجب اولویت‌دهی به سرمایه‌داری شهری، به مثابه کانون اصلی تولید، مصرف و چرخه در مدرنیته می‌شود که شدیداً با تحلیل‌های لوفور، وجوه مشترک بسیاری دارد. تحلیل هاروی از سازماندهی و کنترل فرم (صورت) و ساختار فضایی شهر، یک تحلیل اساسی از تداوم فرایندهای انباشت سرمایه ارائه می‌دهد و به نحو برجسته‌ای نشان می‌دهد که مکان‌یابی ترکیب‌های درون-ارتباط در فضای شهر، بازتاب تلاش برای سازماندهی کارآمد فرایند تولید و بازتولید نیروی کار به شمار می‌آید. تحلیل فضایی تاریخی-جغرافیایی هاروی، نیازمند درک این موضوع است که کارخانه‌ها، پیوندهای حمل و نقل برای مواد اولیه و تولید نهایی، ذخیره نیروی کار و خدمات خدماتی مرتبط با آن، در یک نظم و سلسله-مراتب شهری وابسته به شیوه تولید، متمرکز و سازماندهی می‌شوند.

فصل پنجم: میشل فوکو: فضا، دانش و قدرت

اگرچه فوکو نظریه‌ای در باب فضا، به طور خاص، ارائه نکرده است. اما تعداد زیادی از آثار وی برای درک اینکه چگونه توسعه دانش انضباطی فضا به مداخلات مهمی در چشم‌اندازهای اجتماعی و فیزیکی منجر می‌شود، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. مداخله دانش «انضباطی» از طریق تحلیل دانش پزشکی و گفتمان‌های فضایی شهری، از طریق ایجاد تداوم بازنمایی‌های مسلط ضروری برای اعمال قدرت روی جمعیت‌ها، نواحی، فضاها، رفتارها و غیره مشخص می‌شود. به عنوان مثال، توسعه بازرسان پزشکی سلامت عمومی و ارائه خدمات از طرف شهرداری، نشانه‌ای از کاربرد مستقیم دانش فضایی است که توسط قدرت دولت محلی، دنبال و به کار گرفته می‌شود. نمونه‌های مشابه دیگری از دانش انضباطی و گفتمان‌های فضایی را می‌توان نام برد که شامل فضاهای نهادی از قبیل زندان، مدرسه، مکان‌های کار و به علاوه، فضاهای فراغت از قبیل پارک‌های عمومی و محل‌های توریستی می‌شود.

فصل ششم: داشته‌ها و دورنماها؛ فضا‌مندشدن مدرنیته‌ی امروز

فصل پایانی به شرح داشته‌ها و تاثیرات دیدگاه‌ها و نظریه‌های مورد بررسی در فصول قبل می‌پردازد. فضا‌مندی ضمنی تحلیل مارکس از سرمایه‌داری، می‌تواند پایه‌ای برای دیگر نظریه‌های فضا و تبیین‌های امروز از کنش و تداوم سرمایه‌داری، به علاوه، جنبه‌های توسعه جهانی‌شدن فراهم نماید. نظریه‌های لوفور و هاروی دارای یک جایگاه بنیادی در درک اهمیت فضا؛ خواه به عنوان شهر و خواه به عنوان ابزار و شیوه‌ای برای بقاء و تداوم سرمایه‌داری است. آنها همچنین تأثیر عمیقی بر روی توسعه تحلیل‌های جدید دیگر از فضا‌مندی زندگی اجتماعی امروز برجای گذاشته‌اند. ارزیابی میراث و تأثیر زیمل شاید چندان آسان نباشد؛ اما با این حال، از امکان وجود دارد تا نشان داد که «جنبه‌هایی از فضا» که وی بر روی آنها تأکید و کار کرده است در آثار دیگر پژوهش‌گران فضا تأثیرات زیادی داشته است. در نهایت، آثار مختلف فوکو و سهم آنها در نظریه اجتماعی فضا، به‌ویژه در مورد گفتمان‌های انضباطی وی، پژوهش‌ها و انتقادات بسیاری را بر روی کنش‌های فضایی و بازنمایی‌های قدرت به دنبال خود کشانده است.

امید است این مقدمه‌ی بر معرفی‌های اجتماعی فضا، امکان آشنایی با نظریه‌پردازان مهم در این زمینه و درکی از فضا برای علوم اجتماعی و به ویژه پژوهش‌های جامعه‌شناسی و جغرافیایی فراهم نماید. اهمیت نظریه اجتماعی فضایی برای مطالعات تجاری، ماهوی مناسبات خرد و کلان اجتماعی در تعیین حدود، سازماندهی و تنظیم فضا به‌طور کلی و صورت‌های ویژه فضایی به‌طور خاص و همچنین عوامل اصلی در ساختاربندی تجربه جامعه، بسیار اساسی است. آثار فضایی جامعه، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ اجتماعی، در کنش مناسبات و فرایندهای قدرت و دانش به هم مشروط و وابسته‌اند. از این‌رو، امری چالش برانگیز و در حال تغییر است. فضای آینده‌ی واقعیت اجتماعی هنوز شکل نگرفته است و می‌بایست تصور و ساخته شود، اما این تنها زمانی می‌تواند به انجام برسد که فهمیده شود.